

بررسی عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد (شهرستان رودبار) در دهه ۸۰-۱۳۷۰*

تیمور آمار** - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

پرویز رضایی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

دریافت مقاله ۱۳۸۴/۸/۱۰ تأیید نهایی ۱۳۸۵/۰۱/۲۸

چکیده

امروزه فعالیت‌های اقتصادی - فارغ از مکان جغرافیایی - در قالب گذشته خویش قادر به ادامه حیات نبوده و در عصری که همه چیز در حال تغییر و تحول است، اقتصاد روستایی نیز، متفاوت از گذشته، و به اقتضای زمان و مکان نیازمند تحول و دگرگونی است. مقاله حاضر که روند تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد در دهه ۷۰ را مورد بررسی قرار داده، تلاش دارد تا ضمن شناخت از ابعاد دگرگونی‌های رخ داده در الگوهای زراعی ناحیه، عوامل مؤثر بر این تغییرات مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. از مهمترین نتایج تحقیق این است که نظام زراعی ناحیه در فرآیند تحول بیشترین تأثیر را از عوامل جغرافیایی (به عنوان عوامل درونی) و شبکه‌های ارتباطی، بازار، ترویج و دولت (بعنوان عوامل بیرونی) پذیرفته است.

کلید واژه ها: نظام زراعی، دهستان رحمت آباد، شهرستان رودبار.

مقدمه

تحول در هر پدیده‌ای مستلزم وجود زیرساخت‌ها و عوامل تحول‌زا از یک طرف و انگیزه برای ایجاد تغییر در درون از طرف دیگر است. الزامات و اساس هر نوع دگرگونی بر حسب زمان و مکان قابل بررسی و مطالعه می‌باشد که ضمن شناخت از شرایط حاکم بر آن پدیده (بعد مکانی)، روند تغییراتی آن (بعد زمانی) نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. تقریباً تمامی پدیده‌ها در بستر زمان، تحولات زیادی را تجربه می‌کنند که در واکنش به مقتضیات روز و بر حسب عوامل درونی و بیرونی، کلیت یا اجزای پدیده‌ها را تغییر می‌دهد.

زراعت به عنوان یک پدیده اقتصادی از بدو پیدایش همواره شرایط یکسانی نداشته و به طور مستمر یا متناوب دگرگون می‌شود. این فعالیت جدا از تأثیرپذیری از عوامل محیطی (زیرساخت‌های جغرافیایی) متأثر از عوامل بیرونی نیز تغییرات زیادی را تجربه می‌کند. نگرش سیستمی (نظام‌وار) به این پدیده امکان بررسی آن را در سازگاری با شرایط روز و نیازهای مکانی تسهیل کرده و نقاط قوت و ضعف آن را آشکار می‌کند. در این تحقیق که بررسی تحولات نظام زراعی ناحیه رحمت آباد را به عنوان محور کار خویش قرار داده، سعی شده تا ضمن مطالعه دگرگونی‌های به وجود آمده در نظام زراعی ناحیه فوق نقش عوامل مختلف در این تغییرات مورد ارزیابی قرار گیرد. اساس این پژوهش بر این کلمه استوار است که نظام زراعی یک ناحیه در برابر موج نیازها و خواسته‌های انسانی قابل تغییر بوده و تحولات زیادی را در بستر زمان تجربه می‌کند.

* این مقاله خلاصه طرح پژوهشی «بررسی روند تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد (شهرستان رودبار) در دهه ۱۳۷۰»، است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت اجرا شده است.

** نویسنده مسئول:

در کشور ما نیز روستاها نقش خویش را به عنوان یک کانون زیستی و مرتبط با دیگر کانون‌ها در راستای کارکرد اقتصادی به ویژه زراعت ایفا می‌کنند. در پیدایش یک الگوی زراعی معمولاً عوامل طبیعی از یک طرف و عوامل فرهنگی از سوی دیگر مؤثرند. در کنار مؤلفه‌های محیطی از قبیل موقعیت، ناهمواری و شیب، اقلیم، منابع آب و خاک، عوامل انسانی نیز حضور دارند که ضمن تأثیرپذیری از محیط، بر عوامل و نیروهای طبیعی نیز تأثیر می‌گذارند. برآیند این تأثیر و تاثر ظهور پدیده‌های گوناگونی است که از جمله آن‌ها زراعت می‌باشد اگر چه نقش نیروهای طبیعی در این پدیده هم تعیین کننده و هم چشمگیر است لیکن آنچه در ایجاد یک چشم‌انداز زراعی علت تامه محسوب می‌شود، انسان به‌طور عام و نیازهای انسانی، فرهنگ و تکنیک در دسترس انسان به‌طور خاص است.

چشم‌اندازی که به این صورت شکل می‌گیرد مقوله‌ای ثابت و ایستا نبوده بلکه دائماً در حال تغییر و تحول است. مسلماً در بروز هر نوع دگرگونی، عوامل پدید آورنده زراعت جایگاه ویژه‌ای دارند. چرا که پذیرش هر نوآوری مستلزم هارمونی آن با وضع موجود است. در این راه گاهی شکل و ماهیت الگوهای زراعی دگرگون می‌شود و برخی مواقع نیز تغییرات جزئی است. جدا از تغییراتی که در طول زمان به‌صورت ارگانیک در فعالیت‌های زراعی رخ می‌دهد، مسئله مهمتر، تغییرات برنامه‌ریزی شده به منظور همگام کردن ساختار فعالیت‌های موجود با تقاضا و نیازهای بیرونی و درونی است. چرا که در سطوح کلان هدف عمده، تحول برنامه‌ریزی شده الگوهای زراعی براساس نیازهای ملی و در پرتو اهداف مدون و زمان‌بندی شده می‌باشد و در سطوح خرد نیز تناسب نیازهای معیشتی، اقتصاد خانوار و بهبودی شرایط فعلی مهمترین محرک برای این تغییرات محسوب می‌شود. بر این اساس اعتقاد به تحول در اقتصاد زراعی نواحی روستایی کشور و هدایت صحیح آن از ضرورت‌های زیر نشأت می‌گیرد:

الف) تقاضای روزافزون برای مواد غذایی متأثر از افزایش جمعیت: داشتن امنیت غذایی برای جمعیت کشور که برآوردهای غیر رسمی حکایت از ۷۰ میلیون نفر مصرف کننده در حال حاضر و بیش از ۸۰ میلیون نفر در افق ۱۴۰۰ دارد، الزامی است.

ب) پیوند بین بخش کشاورزی و صنعت: بدون شک بخش اعظمی از فعالیت‌های صنعتی در کشورمان بستگی به تولید مواد خام (محصولات زراعی) خواهد داشت. از یاد نبریم که انقلاب کشاورزی در اروپا هم مقدم بر انقلاب صنعتی و هم توأمان با آن حرکت کرده است.

ج) ارزآوری تولیدات زراعی و نقش مؤثر در صادرات: تحقق برنامه‌های اقتصاد بدون نفت در گرو توجه به بخش‌های مولد به ویژه زراعت است.

مبانی نظری

مطالعه هر پدیده از دیدگاه جغرافیایی در راستای پاسخ‌گویی به سه سؤال اساسی است: چگونگی پیدایش پدیده‌ها، شناسایی نیروها و روابطی که موجب شکل‌گیری و تحولات آن‌ها تا به امروز شده است، و چگونگی بهبودی شرایط موجود از طریق تأثیرگذاری بر نیروها و روندهای شکل‌دهنده آن پدیده (سعیدی، ۱۳۷۵، ۵)، با توجه به این که هر نوع تغییر در پدیده‌های جغرافیایی در بستر زمان شکل می‌گیرد در مطالعات این علم علاوه بر عامل «مکان»، «زمان» نیز از جایگاه شایسته‌ای برخوردار است.

اگر زراعت یا به تعبیر بهتر «ساخت زراعی» را مجموعه همبستگی‌های پایدار و عمیق بین انسان و زمین و مشتمل بر نظام زراعی، مورفولوژی زراعی و مجموعه مسکن بدانیم (لوبو، ۱۳۵۲، ۸)، نظام زراعی یکی از ارکان مهم هر ساختار زراعی

محسوب می‌شود که در چهره و چشم انداز نواحی روستایی نمایان است. نظام زراعی از اجتماع و اشتراک کشت‌های مختلف در یک بهره‌برداری شکل می‌گیرد (دولفوس، ۱۳۷۳، ۶۹)، که این مسئله می‌تواند در اشکالی چون همزیستی، تناوب، تکاب، و مکمل خود را نشان دهد (درئو، ۱۳۷۴، ۱۹۲)، علاوه بر آن مطالعه و بررسی این پدیده فارغ از سایر اجزاء یک ساختار زراعی امکان‌پذیر نیست. مواردی چون نظام بهره‌برداری، نظام مالکیت، و نظام تولید همواره به‌عنوان اجزاء جدایی‌ناپذیر هر نظام زراعی تلقی می‌شوند که توأمان مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

نظام‌های زراعی بر مبنای خصوصیات جغرافیایی، و مقتضیات زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. الزامات این دگرگونی‌ها از زوایای گوناگون توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. خادم آدم (۱۳۷۰) با بیان اینکه نظام زراعی در کشور ما عمدتاً از نوع سنتی (نظام دهقانی) است؛ دگرگونی در این نظام‌ها را به دو دلیل اجتناب‌ناپذیر می‌داند؛ اولاً نسبت و ترکیب عوامل تولید در این واحدها مطلوب نیست و ثانیاً میزان کل تولید آن‌ها به‌لحاظ ایجاد درآمد سرانه با سایر واحدها (به‌ویژه از نوع تجاری) هماهنگی ندارد (خادم آدم، ۱۳۷۰، ۹۵). در همین راستا «ولدخانی» و «دهقان» (۱۳۷۰) نیز ضمن تأکید بر ضرورت‌های تحول در نظام‌های تولید سنتی در بخش کشاورزی، به نقش عواملی چون سرمایه، تکنولوژی، نیروی کار، به‌کارگیری نهاده‌های پربازده و مدیریت کارآمد به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در این فرآیند می‌پردازند.

جرگینسون (۱۹۶۱) با تمرکز بر نیروی کار؛ تحولات نظام زراعی را در پرتو عواملی چون نرخ رشد فنی، کشتش تولید در بخش کشاورزی نسبت به تغییرات نیروی کار در همان بخش و کاربرد تکنولوژی جدید در تولیدات کشاورزی می‌داند (هایامی، ۱۳۷۸، ۲۱). در کنار آن اندیشمندانی چون ارینر (۱۹۵۷)، کارول (۱۹۶۱)، راوپ (۱۹۶۹) و باراکلف (۱۹۷۳) معتقدند که موانع نهادی مهمترین عامل در توسعه تولیدات زراعی و خروج این بخش از حالت خودمصرفی است (آشیر و استاز، ۱۹۸۵، ۲۰)، که لازمه آن اصلاحات بنیادین به‌ویژه در عامل زمین می‌باشد. چمبرز (۱۹۹۱) نیز معتقد است یکی از چالش‌های بزرگ فعالیت‌های زراعی در کشورهای جهان سوم ایجاد تغییراتی است که منجر به پایدار کردن شود؛ چراکه این فعالیت در کشورهای جهان سوم پیچیده، متنوع و مخاطره‌آمیز است و برای مبارزه با فقر در این کشورها حفظ و توسعه «زراعت مولد» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود (چمبرز، ۱۹۹۱، ۱۳۷).

تحول در هر نظام زراعی در گرو فراهم بودن زمینه‌های درونی و نیروهای بیرونی است. گروهی از صاحب‌نظران به‌صورت موردی بر نقش عواملی چون دولت، تکنولوژی، سرمایه و اصلاح نظام زمین‌داری در تغییر و نوسازی زراعت تأکید دارند (لانگ ورت، ۱۳۷۹). افراخته با مطالعه در تحولات ساخت زراعی منطقه چابهار؛ مهمترین دلیل توسعه نیافتگی کشاورزی این منطقه را در عوامل نهادی به‌ویژه نهادهای حکومتی و نظام اقتصاد کلان کشور می‌داند (افراخته، ۱۳۷۹، ۱۲۳). درعوض «درئو» وقوع انقلاب کشاورزی در اروپا را محصول عوامل مختلفی می‌داند که به‌صورت سیستماتیک و به‌هم پیوسته بر خروج این فعالیت از شکل سنتی و ورود آن به عرصه مدرن کمک کرده‌اند (درئو، ۱۳۷۴، ۲۱۶). «شولتز» (۱۹۶۴) نیز با توجه به مطالعات تجربی در هند و گواتمالا ثابت کرد که تحول در فعالیت‌های زراعی و افزایش تولید سرانه زمانی اتفاق می‌افتد که زارعان از عوامل تولید جدید و مولدتر و مهارت‌های جدید برخوردار باشند (استاز، ۱۳۷۸، ۱۲).

روش‌شناسی تحقیق

در راستای اهداف و سؤالات تحقیق، فرضیات ذیل در این بررسی مطرح و مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

- شرایط جغرافیایی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات نظام زراعی ناحیه دارد.

- در تحولات نظام زراعی ناحیه دولت نقشی اساسی داشته است.

- به نظر می رسد که استمرار تحولات در گرو تجهیز علمی و پشتیبانی های دولتی باشد.

پژوهش انجام یافته از نظر هدف از نوع کاربردی و بر مبنای روش از نوع توصیفی - تحلیلی و تاریخی می باشد. برای انجام مطالعه از شیوه های مرسوم جمع آوری اطلاعات (اعم از اسنادی و میدانی) بهره گیری شده است. در بخش اسنادی ضمن بررسی سوابق موضوع مورد مطالعه وضعیت ناحیه مطالعاتی از نظر طبیعی و جمعیتی مورد بحث قرار گرفته و در بخش میدانی نیز ضمن جمع آوری اطلاعات اولیه از کل جامعه آماری (۲۱ روستا) از طریق پرسشنامه، اطلاعات ثانویه نیز از طریق مراکز اداری، سازمانی ناحیه به ویژه مرکز خدمات کشاورزی توتکابن، بخشداری توتکابن و جهاد کشاورزی شهرستان اخذ شده است. کلیه اطلاعات بر مبنای موضوع و اهداف طرح شامل انواع محصولات تولیدی، سیستم های جدید کشت و محصولات جدید، دلیل گرایش روستائیان به تغییر در نظام زراعی، کمبود و کاستی های موجود و مانند آن در قالب پرسشنامه خانوار و مصاحبه از مسئولین و زارعین می باشد.

محدوده مطالعاتی و جامعه آماری

قلمرو مطالعاتی که برای شناخت ساختاری از فعالیت های زراعی و بررسی تغییر و تحولات ایجاد شده در این فعالیت انتخاب شده، دهستان رحمت آباد (شهرستان رودبار) می باشد (شکل شماره ۱)، که براساس آخرین سرشماری رسمی کشور دارای ۲۱ نقطه روستایی (شکل شماره ۲) و ۷۹۰۵ نفر جمعیت بوده است. دهستان رحمت آباد با ۹۴ کیلومتر مربع وسعت در مرکز شهرستان رودبار واقع شده و از جمله نواحی است که فعالیت های اقتصادی آن به ویژه، زراعت ضمن تأثیرپذیری از جنبه های معیشتی و سنتی و همچنین شرایط جغرافیایی (بعنوان عوامل درونی)، متأثر از عوامل بیرونی دچار دگرگونی و تحول به ویژه در چند سال اخیر شده است. پذیرش نوآوری ها در عرصه فعالیت که نشان گر تغییر در جنبه های رفتاری کشاورزان می باشد در مصادیقی چون پذیرش سیستم های جدید کشت، گرایش به کشت محصولات پربازده و نقدی و ارتباط با بازار مصرف خود را نشان داده است. بر مبنای طرح مسئله و ضرورت های مورد نظر، در بررسی حاضر سؤالات زیر مطرح می گردد:

۱- آیا زیر ساخت های طبیعی و عوامل (محرک های) بیرونی در ایجاد تحولات نظام زراعی ناحیه مطالعاتی ایفاگر

نقش یکسان و متعادلی بوده اند؟

۲- آیا بافت خود مصرفی اقتصاد در ناحیه مطالعاتی، اجازه گسترش و اشاعه نوآوری ها را در نظام زراعی می دهد؟

۳- در صورت پاسخ مثبت سوال دوم، چه تمهیداتی باعث خواهد شد تا روند تحولات در راستای بهینه سازی شرایط،

تسریع گردد؟



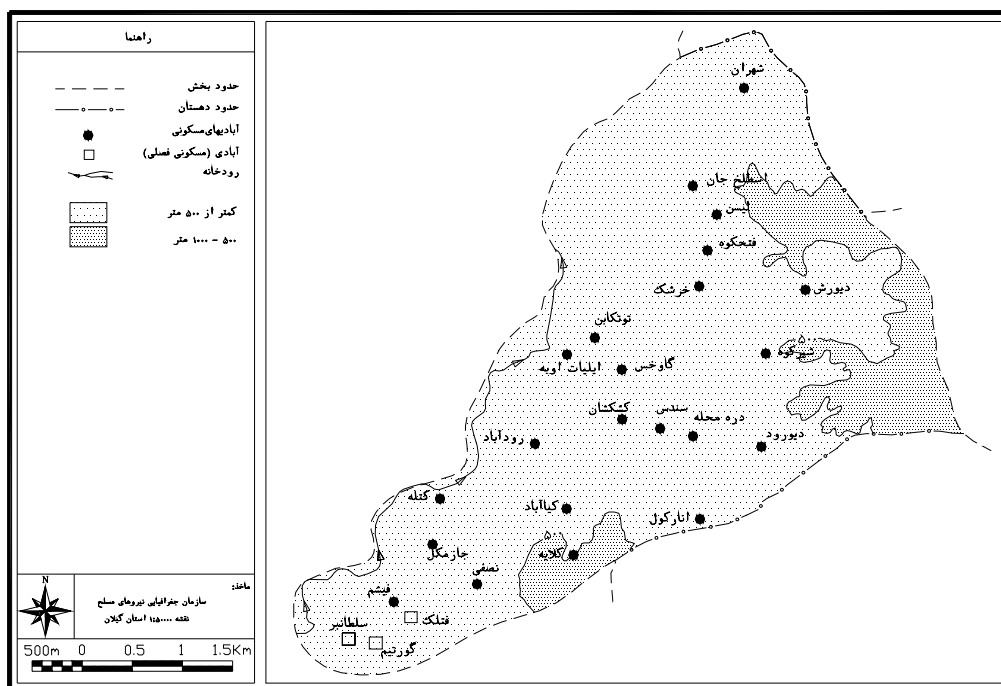
شکل ۱ موقعیت دهستان رحمت آباد در کشور بر اساس سلسله مراتب سیاسی

یافته‌های تحقیق

ناحیه رحمت آباد همان‌طور که در شکل شماره ۲ ملاحظه می‌شود، از نظر طبیعی یک قلمرو کوهپایه‌ای با توپوگرافی ناهمگون است که عوامل طبیعی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری فعالیت‌های زراعی آن دارد که در این بین نقش توپوگرافی، اقلیم و منابع آب در شکل‌گیری، تفکیک فضاهای زراعی و باغی بیش از سایر عوامل است. در پیوند این سه عامل با یکدیگر چشم‌انداز کشاورزی ناحیه را می‌توان در سه قسمت زیر تقسیم نمود:

الف) قلمروهای باغله کشت آبی: شامل اراضی حاشیه سفیدرود، خرشک‌رود، گوهررود و سیاهرود می‌شود و تولید عمده در این قلمرو برنج است.

ب) قلمروهای دیم‌کاری با تلفیقی از زراعت و باغداری: در نیمه شمالی و جنوبی ناحیه که با توجه به محدودیت در دسترسی به منابع آب سطحی و استفاده از منابع زیرزمینی، زراعت عموماً به صورت دیم بوده و سایر بهره‌برداران باغ‌داری و تولید محصولات صیفی‌جات، سبزیجات و حبوبات از منابع آب موجود به‌ویژه چشمه‌ها استفاده می‌شود.

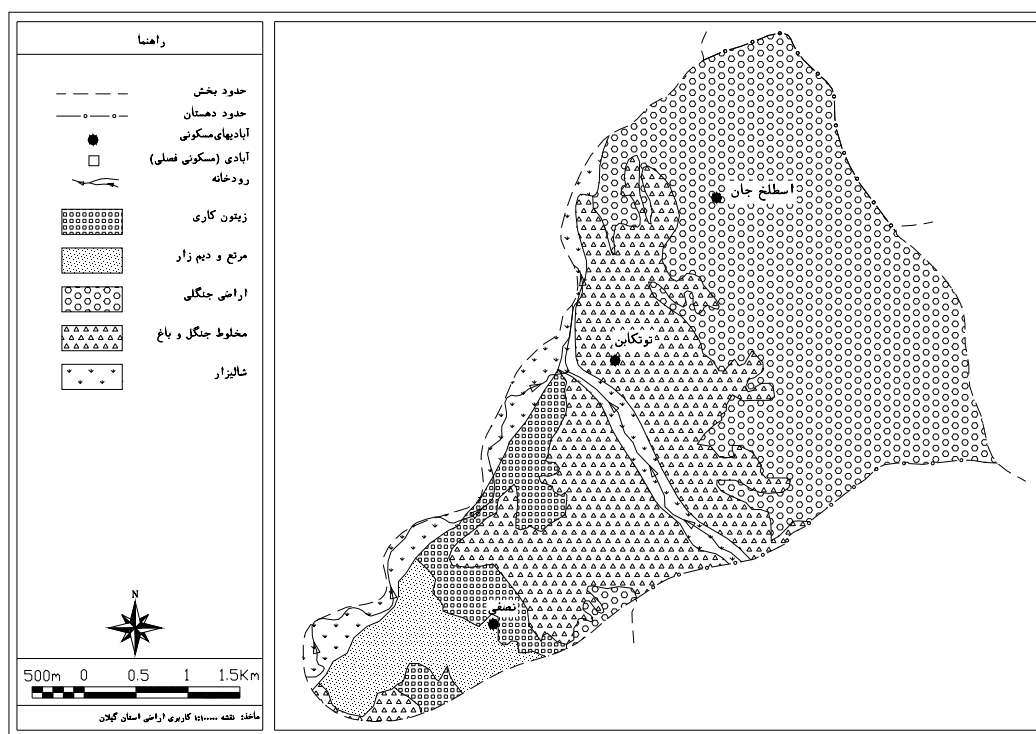


شکل ۲ پراکنندگی روستاهای دهستان رحمت آباد با توجه به عامل توپوگرافی

ج) قلمروهای دیم کاری: در این محدوده‌ها امکان کشت برنج به دلیل کمبود آب امکان پذیر نبوده اما کشت دیم به ویژه گندم و جو و تولیدات باغی نظیر گردو، انار و سیب رایج است (شکل شماره ۳).

بخش کشاورزی ناحیه بر مبنای اطلاعات سال ۱۳۸۲ و سطحی معادل ۳۲۹۷ هکتار زمین توانسته است ۴۸۷۰ تن غلات (گندم، جو و برنج)، ۳۱۰ تن انواع دانه‌های روغنی، ۹۴ تن حبوبات، ۳۵۷/۷ تن صیفی جات، ۱۷۶ تن محصولات جالیزی و ۴۰۰ تن نباتات علوفه‌ای تولید نماید ضمن اینکه در ۴۶۹/۵ هکتار فضای باغی ناحیه نیز ۴۸۸ تن زیتون، ۱۱۹ تن گردو، ۹۴۹ تن میوه‌های دیگر (دانه‌دار، هسته‌دار) تولید شده است. جایگاه ناحیه مطالعاتی در تولید برخی محصولات شهرستان نیز بسیار بالاست. به طوریکه ۵۵/۴ درصد آفتابگردان، ۵۶ درصد محصولات جالیزی، ۲۵/۳ درصد برنج و ۷۰ درصد تولید کلزای شهرستان در دهستان رحمت آباد تولید می‌شود.

بر اساس قیمت فروش محصولات در سال ۱۳۸۲، ارزش ریالی تولیدات ناحیه نیز محاسبه شده که بر اساس یافته‌های جدول و شکل شماره ۴ برنج با ۸۳/۱ درصد از کل ارزش ریالی در رتبه اول و گندم و جو با ۷/۸ درصد آفتابگردان با ۲/۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارد.



شکل

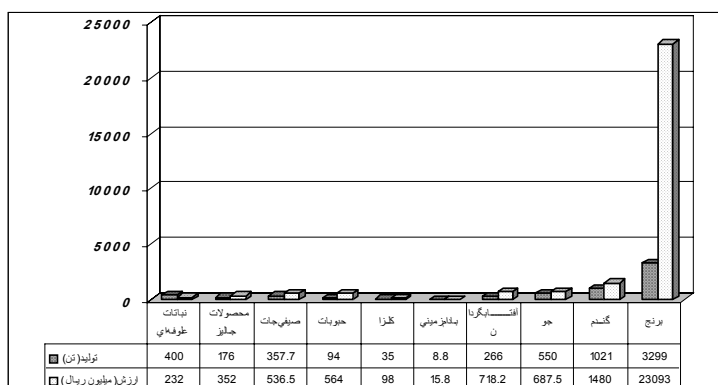
۳ کاربری اراضی دهستان رحمت آباد

جدول ۱ میزان تولید و ارزش ریالی تولیدات زراعی ناحیه رحمت آباد

شرح	برنج	گندم	جو	آفتابگردان	بادام زمینی	کلزا	حیوانات	صیفی جات	محصولات جالیز	نباتات علوفه‌ای	جمع کل
میزان تولید (به تن)	۳۲۹۹	۱۰۲۱	۵۵۰	۲۶۶	۸/۸	۳۵	۹۴	۳۵۷/۷	۱۷۶	۴۰۰	۶۲۰۷/۵
ارزش ریالی*	۲۳۰۹۳	۱۴۸۰	۶۸۷/۵	۷۱۸/۲	۱۵/۸	۹۸	۵۶۴	۵۳۶/۵	۳۵۲	۲۳۲	۲۷۸۷۵
درصد از کل	۸۳/۱	۵/۳	۲/۵	۲/۶	۰/۰۵	۰/۳۵	۲	۱/۹	۱/۳	۰/۸۳	۱۰۰

* بر مبنای قیمت فروش در سال ۱۳۸۲ (ارقام به میلیون ریال)

مأخذ: مرکز خدمات کشاورزی رحمت آباد ۱۳۸۲ - مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷ - مطالعات میدانی، ۱۳۸۲



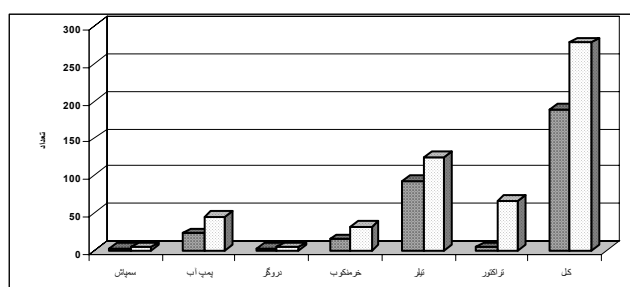
شکل ۴ نمودار میزان تولید و ارزش ریالی تولیدات زراعی ناحیه رحمت آباد

۱- تحولات نظام زراعی ناحیه رحمت آباد

زراعت در ناحیه مطالعاتی به تناسب نیازمندی های انسانی، تکنولوژی در دسترس، بهبودی شبکه ارتباطی، اتصال به مراکز مصرف و در مجموع متأثر از عوامل درونی و بیرونی تغییرات زیادی را تجربه کرده است که این دگرگونی ها در سه محور نظام کشت، نظام بهره برداری و نوع تولید قابل بررسی است.

الف) تحول در نظام کشت و تولید: نظام یا سیستم کشت عبارتست از اجتماع زراعت های گوناگون در یک بهره برداری که به چهار شکل همزیستی، تناوب، اتکایی و مکمل خود را نشان می دهد (درئو، ۱۳۷۴) نظام کشت در ناحیه رحمت آباد در طول دوره مطالعاتی دچار تغییرات اساسی شده است، به طوریکه کشت مبتنی بر تولید یک محصول خاص (عموماً غلات) به سمت یک نظام همزیستی مبتنی بر تولید محصولاتی چون حبوبات، سبزیجات، گیاهان علوفه ای تغییر وضعیت داده است. ضمن اینکه با توجه به اثرات مطلوب نظام تناوبی این نوع سیستم کشت نیز در ناحیه مطالعاتی جایگاهی ویژه یافته است.

نظام تولید در ناحیه متأثر از برخی آموزه های سنتی و انتقال آن به نسل حاضر و در کنار آن پذیرش تکنولوژی و نهاده های پربازده برای بهینه سازی شرایط می باشد. براساس شکل ۵ تعداد کل ماشین آلات کشاورزی ناحیه از ۱۹۷ دستگاه در اواخر دهه ۶۰ به ۲۹۸ دستگاه در اوایل دهه ۸۰ رسیده است که این مسأله نشان گر تجهیز تکنولوژیکی زراعت بهره گیری از فواید آن است.



شکل ۵ نمودار تعداد ماشین آلات کشاورزی در دهستان رحمت آباد طی دهه ۷۰

مأخذ: - مرکز خدمات کشاورزی رحمت آباد ۱۳۸۲ - مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷ - مطالعات میدانی، ۱۳۸۲

ب) تحول در نظام بهره برداری: بیانگر صورت بندی های گوناگون روابط اجتماعی- اقتصادی است که هر یک عناصر ساختاری - کارکردی متفاوتی دارند (سعیدی، ۱۳۷۷، ۱۱۴). شیوه های تولید برحسب مکان و زمان تفاوت هایی با یکدیگر داشته و همواره از منطق اقتصادی پیروی نمی کنند. در ناحیه مطالعاتی با توجه به شیوه مالکیت رایج (خرده مالکی) نظام های بهره برداری عموماً از نوع خانوادگی است که براساس اهداف تولیدی تعداد اندکی در آن ها مبتنی بر تولیدات خود مصرفی (نوع دهقانی) و عمده آن ها از نوع «مزرعه داری مبتنی بر بازار» می باشند*.

دگرگونی عمده در شیوه های بهره برداری ناحیه، تغییر وضعیت بهره برداری های خانوادگی از «اقتصاد دهقانی» به «اقتصاد بازاری» است که به نظر می رسد روند فعلی در آینده نیز تداوم خواهد داشت. ^۱چرا که از بعد اقتصادی مقرون به صرفه بوده و می توان انتظار داشت که از طریق ترویج واحدهای همسایگی امکان تغییر در اهداف تولید و چرخش نظام بهره برداری از شیوه های صرفاً معیشتی به سمت شیوه مبتنی بر مازاد تولید به وجود آید. از جمله نکات برجسته دیگر در نحوه بهره برداری از منابع تولید در ناحیه، گسترش نظام اجاره داری است. آغاز این تحول از اوایل دهه ۷۰ و به دنبال سودآوری قابل توجه در تولید و

۱ - به عنوان مثال در مطالعات میدانی زمانی که نگارنده از کشاورزان میزان رضایت مندی آن ها را از توسعه کشت محصولات بازاری سوال نمود، ۱۰۰ درصد کسانی که بادم زمینی کشت می نمودند و ۸۷ درصد کلزاران اظهار داشتند که اگر زمین بایر داشتند تولید این محصولات را گسترش می دادند.

* تقسیم بندی شیوه خانوادگی به دو شیوه فرعی «دهقانی» «مبتنی بر بازار» بر گرفته از کتاب مبانی جغرافیای روستایی تألیف دکتر عباس سعیدی است. (ن.ک به سعیدی، ۱۳۷۷، ۱۱۵)

فروش محصولات نقدی (Cash crop) بوده است که باعث شد به تدریج این نوع بهره‌برداری در سازمان‌یابی جدید فعالیت‌های زراعی ناحیه جایگاه ویژه‌ای به‌یابد. براساس مطالعات میدانی حدود ۸۸ درصد از شیوه‌های اجاره‌داری در ناحیه از نوع موقتی (یک فصل زراعی) و تنها ۱۲ درصد از نوع پایدار (چندین ساله) می‌باشند. رابطه بین مالکیت و زارع براساس توافقات عرفی یا رسمی و در طول یک سال زراعی تنظیم شده و پرداخت اجاره نیز عمدتاً به صورت نقدی است (مطالعات میدانی، ۱۳۸۲).

ج) تحول در نوع تولید (محصولات تولیدی): جلوه بارز تحول در نظام زراعی ناحیه، تغییر در نوع محصولات تولیدی است. مقایسه بین ارقام مربوط به سطوح زیر کشت انواع محصولات زراعی ناحیه در محدوده زمانی مطالعه (دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۰) نشان می‌دهد که:

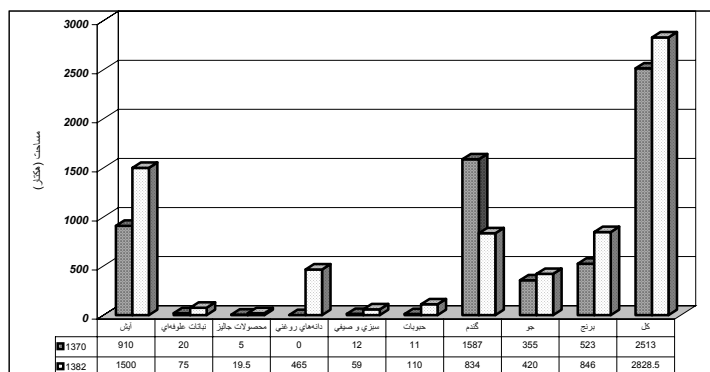
- سطح زیر کشت انواع محصولات زراعی ناحیه (به جز گندم) افزایش چشمگیری داشته است.
- کاهش قابل توجه سطح زیر کشت گندم هم به رواج نظام تناوبی و هم به جایگزین شدن محصولات دیگر (بویژه آفتابگردان و علوفه) به جای گندم مربوط است که علت دوم بسیار گسترده‌تر از عامل اول در محدوده‌سازی فضاهای گندم‌کاری در ناحیه نقش داشته است.

جدول ۲. مقایسه بین سطح زیر کشت انواع محصولات زراعی ناحیه رحمت‌آباد در دوره مطالعاتی

شرح	مساحت کل*	برنج	جو	گندم	حبوبات	سبزی و صیفی	دانه‌های روغنی	محصولات جالیز	نباتات علوفه‌ای	آیش
سال ۱۳۷۰	۲۵۱۳	۵۲۳	۳۵۵	۱۵۸۷	۱۱	۱۲	-	۵	۲۰	۹۱۰
سال ۱۳۸۲	۲۸۲۸/۵	۸۴۶	۴۲۰	۸۳۴	۱۱۰	۵۹	۴۶۵	۱۹/۵	۷۵	۱۵۰۰
درصد تغییرات	۱۱	۳۸	۱۵/۵	-۹۰	۹۰	۷۹/۶	-	۷۴/۳	۷۳/۳	۳۹/۳

مأخذ: مرکز خدمات کشاورزی توتکابن (۱۳۸۲) و مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) * در رقم کل مساحت، سطوح آیش محاسبه نشده است

- بالاترین رقم مربوط به کشت حبوبات می‌باشد که براساس مطالعات میدانی دلیل گرایش به تولید آن تقاضای مناسب در بازار مصرف است. تولید سبزی، محصولات جالیز، صیفی‌جات و نباتات علوفه‌ای نیز در واکنش به فعالیت‌های مکمل در ناحیه به‌ویژه دامداری‌های متمرکز (تولید نباتات علوفه‌ای) یا در واکنش به نیاز بازار رو به گسترش است.
- محصولاتی که در طی ده سال گذشته به چشم‌انداز زراعی ناحیه وارد شده‌اند دانه‌های روغنی شامل بادام زمینی، آفتابگردان و کلزا می‌باشند. با توجه به سیاست‌های حمایتی دولت در راستای توسعه تولید دانه‌های روغنی به‌ویژه کلزا با توجه به تطبیق شرایط جغرافیایی ناحیه با نیازهای فیزیولوژیکی این گیاهان در یک دوره پنج ساله (۸۲-۱۳۷۸) سطح زیر کشت این محصولات از ۱۵ به ۴۶۵ هکتار افزایش یافته است (جدول ۲ و شکل ۶).



شکل ۶ مقایسه بین سطح زیر کشت انواع محصولات زراعی ناحیه رحمت‌آباد در دوره مطالعاتی

۲- عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی ناحیه

بی تردید در پیدایش هر نوع تحول در یک پدیده هم عوامل درونی و هم عوامل بیرونی تأثیر دارند. به عبارت دیگر هر نوع تغییر و دگرگونی هم محصول عوامل درونی است و هم متأثر از عوامل بیرونی. در بروز تحولات مربوط به نظام زراعی ناحیه نیز عوامل مختلفی اثرگذار بوده‌اند که نقش عوامل زیر چشمگیرتر می‌باشد:

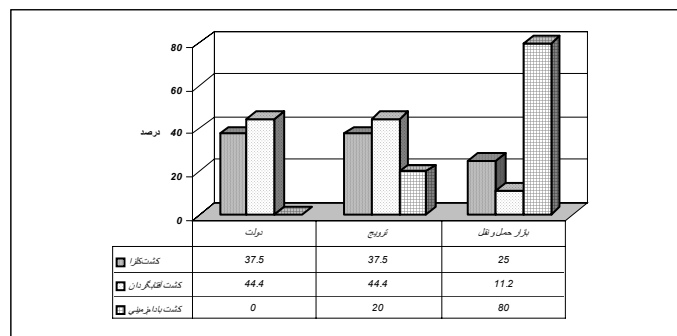
الف) نقش عوامل فیزیکی عناصر جغرافیایی هر مکان سازنده شرایطی است که هم قابلیت‌های آن را نشان می‌دهد و هم بر محدودیت‌های آن اشاره دارد. شرایط جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه و گونه‌های گیاهی جدید (بویژه دانه‌های روغنی) که به ناحیه وارد شده نشان از تطبیق نسبی پارامترهای طبیعی حاکم بر قلمرو مطالعاتی با «بهینه اکولوژیک» این گیاهان دارد. به طور مثال شرایط اقلیمی موجود، منابع آب، خاک و شکل زمین تا حدودی با شرایط مناسب برای کشت کلزا، آفتابگردان و بادام زمینی منطبق است. در مورد کلزا با توجه به «آستانه حرارتی پایین و امکان رشد آن در درجه حرارت پایین و مقاومت آن نسبت به سرما» (شهیدی، ۱۳۷۰، ۱۱) و امکان کشت دیم این محصول و همچنین شیب کمتر از ۱۰ درصد و توانایی رویش در خاک‌هایی با بافت متوسط و زهکشی مناسب (همان‌منبع، ۲۷) زیرساخت‌های محیطی در دهستان رحمت‌آباد (با توجه به مطالعات محیطی صورت گرفته در طرح) با بهینه اکولوژیک این محصول سازگاری دارد در مورد سایر محصولات به ویژه گونه‌های جدید مثل آفتابگردان و بادام زمینی نیز، شرایط محیطی ناحیه با شرایط بهینه رشد آنها کم و بیش مطابقت می‌کند.

ب) نقش عوامل غیر فیزیکی: عوامل انسانی در کنار زیرساخت‌های طبیعی از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری و تحولات فعالیت‌های زراعی محسوب می‌شوند. در بین پارامترهای انسانی نقش عوامل زیر بارزتر است:

- بازار و حمل و نقل: ناحیه مطالعاتی از نظر برخورداری از شبکه‌های ارتباطی درون و برون ناحیه در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد. در حال حاضر حدود ۵۲ کیلومتر راه ارتباطی در سطح ناحیه وجود دارد که ۲۰ کیلومتر آن آسفالت می‌باشد (اداره راه شهرستان رودبار، ۱۳۸۳) براساس مطالعات میدانی نقش بازار و حمل و نقل در ارتباط با گسترش کشت برخی محصولات قابل توجه بوده است.

به عنوان مثال ۸۰ درصد تولیدکنندگان بادام زمینی بازار مصرف را مهمترین عامل در کشت این محصول ذکر کرده‌اند.

- ترویج و دوره‌های ترویجی: در ناحیه مطالعاتی نقش ترویج در تحولات زراعی بسیار و بارز و مشخص است بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری شده از روستاهای ناحیه (شکل ۷) نقش این عامل در مورد کشت کلزا، آفتابگردان و بادام زمینی به ترتیب ۳۷/۵، ۴۴/۴ و ۲۰ درصد بوده است نحوه آموزش در مورد کشت‌هایی چون بادام زمینی و آفتابگردان انفرادی و در مورد دانه روغنی کلزا ۶۰ درصد آموزش انفرادی، ۲۶/۶ درصد آموزش‌های جمعی و ۱۳/۴ درصد بازدیدهای آموزشی بوده است.

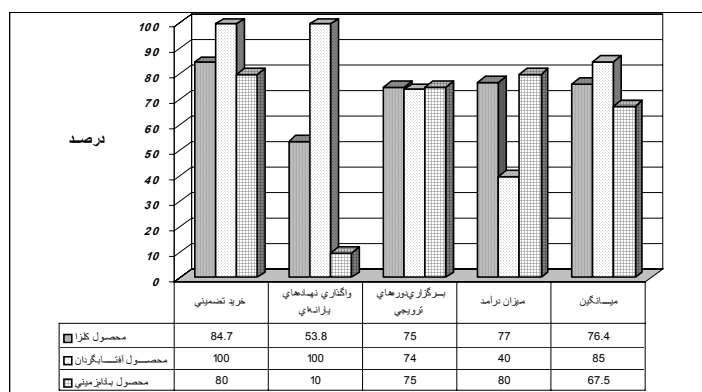


شکل ۷ نمودار نقش عوامل انسانی در تحولات نظام زراعی ناحیه رحمت‌آباد (ارقام به درصد)

مأخذ: مطالعات میدانی (۱۳۸۲)

نقش دولت: در تحولات صورت گرفته در نظام زراعی ناحیه، بیش از همه ردپای دولت دیده می‌شود. کشت برخی محصولات نظیر دانه‌های روغنی و یارانه‌هایی که دولت در این راستا پرداخت می‌کند در هماهنگی با استراتژی‌های کلان کشور است که سیاست‌های اجرایی آن‌را در مناطق مستعد، از جمله در ناحیه مطالعاتی مشاهده می‌گردد.

در ارتباط با خدمات دولتی نگرش روستائیان به اقدامات دولت و محصولات مورد حمایت نهادهای دولتی یکسان نبوده است. نقطه نظر روستائیان در شکل (۸) انعکاس یافته است. براساس یافته‌های جدول بیشترین میزان رضایت‌مندی در مورد کشت آفتابگردان و پایین‌ترین میزان نیز مربوط به بادام‌زمینی است. گرچه در پیامدهای مثبت اقدامات دولت از طریق دستگاهها و نهادهای ذیربط تردیدی نیست لیکن ارقام مندرج در جدول نشانگر نواقصی است که در برخی مراحل تولید نمود پیدا می‌کند.



شکل ۸ نمودار نظرات و دیدگاه‌های روستائیان در خصوص میزان رضایت‌مندی آن‌ها از خدمات دولتی (در مورد محصولات مورد حمایت دولت)

مأخذ: مطالعات میدانی (۱۳۸۲)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که در پیدایش الگوهای زراعی در یک ناحیه عوامل درونی و بیرونی مؤثر هستند در تحولات مربوط به این نظام نیز می‌بایست به نقش عوامل جغرافیایی و نیروهای بیرونی توجه نمود، در این راستا مطالعه فعالیت‌های زراعی و بررسی روند تحولات آن، گام مؤثری در شناخت ساختاری، کارکردی این فعالیت‌ها و آینده‌نگری مناسب برای تطبیق الگوهای زراعی با اهداف، برنامه‌ها و نیازهای درونی و بیرونی می‌باشد.

زراعت در ناحیه مطالعاتی در حال تمرین یک تجربه جدید است و همان‌طور که تحولات دیگری در نظام فعالیت ناحیه محتمل به نظر می‌رسد، استمرار وضعیت موجود نیز در گرو داشتن پشتوانه‌های لازم از جمله افزایش آگاهی زارعان با الگوهای جدید و تداوم حمایت‌های دولتی خواهد بود. مهمترین مشکلات زارعان در ناحیه به‌ویژه در رابطه با سه محصول عمده (که تبلور دگرگونی‌های نظام زراعی ناحیه به‌شمار می‌روند) در جداول جداگانه و به تفکیک پاسخ‌های داده شده تدوین و طبقه‌بندی شده است براین اساس بخشی از مشکلات موجود ناشی از ضعف آموزشی و نداشتن آگاهی مناسب نسبت به تغییرات و بخشی دیگر متأثر از نامناسب بودن سیاست‌های حمایتی دولت می‌باشد.

اگر چه در مطالعات میدانی بسیاری از زارعان نسبت به آینده فعالیت خویش نگاه خوش‌بینانه‌ای داشتند لیکن در کنار آن مشکلاتی را نیز مطرح کردند که در جداول ۳، ۴ و ۵ انعکاس یافته است. بنابراین در رابطه با تحولات صورت گرفته راهکارهای زیر برای وضع موجود مناسب به‌نظر می‌رسد:

جدول ۳ مهمترین مشکلات کشت آفتابگردان و بادام زمینی در ناحیه مطالعاتی براساس نظرات روستاییان

موضوع	آفتابگردان	بادام زمینی
پایین بودن قیمت تضمینی	۲۷/۸	۱۵
پایین بودن عملکرد	۲۷/۸	۲۵
وجود آفات و بیماریهای گیاهی	۲۷/۸	۲۵
ریزش هنگام برداشت	۱۶/۶	-
حساسیت به سرما	-	۱۰
کنترل علف های هرز	-	۲۵

جدول ۴ مهمترین مشکلات کشت کلزا در ناحیه مطالعاتی براساس نظرات روستاییان

شرح	درصد از کل	شرح	درصد از کل
پایین بودن قیمت تضمینی	۱۲/۸	ریزش محصول هنگام برداشت	۱۴/۸
پایین بودن عملکرد	۱۷/۸	حساسیت به سرما	۲۰/۲
آفات و بیماریها	۲۳/۷	کنترل علف های هرز	۰/۹
تداخل کشت با محصولات دیگر	۴/۹	خوش خوراک نبودن کاه و پسمانده گیاه برای تغذیه دام	۴/۸

مأخذ: مطالعات میدانی (۱۳۸۲)

- با توجه با اینکه بخشی از تولیدات ناحیه (بعنوان کشت دوم) در سطوح برنج کاری انجام می شود لازم است تا زمین مورد نظر از زهکشی مناسب برخوردار باشد. براساس مطالعات میدانی، در اراضی که سطح ایستابی بالاست رشد گیاه (به ویژه کلزا) ضعیف تر از سایر نقاط می باشد. بنابراین توصیه می شود که در هنگام آماده سازی زمین، زهکشی آن نیز مورد توجه قرار گیرد.

- از آن جا که محصولات جدید ناحیه برای پر کردن اوقات فراغت کشاورزان مفید می باشد انتخاب بذر مناسب بسیار مهم است. مثلاً در بین انواع گونه های کلزا، بهتر است تا نوع پاییزه آن که با محصولات دیگر به ویژه برنج تداخل زمانی ندارد، کشت شود.

- برخی از کشاورزان ناحیه نسبت به خدمات آموزشی و ترویجی گله مند بودند، در این راستا توصیه می شود از بهره برداران ناحیه به طور مناسب پشتیبانی علمی به عمل آید و با ارائه نقطه نظرات کارشناسی، زارعین را در شناخت مشکلات و چگونگی مبارزه با آنها آگاه نمود.

- کارایی سیاست های حمایتی دولت در گرو انجام به موقع تعهدات است. در مصاحبه و گفتگوی مستقیم با زارعان بسیاری از آنان نسبت به زمان اجرای تعهدات دولت (به ویژه دادن وام یا خرید تضمینی) معترض بودند، به نظر می رسد تجدید نظر در مورد سیاست های حمایتی دولت نیز از جمله راهکارهای مقتضی برای بهبود نظام زراعی ناحیه است.

- محصولات تولیدی ناحیه به ساز و کارهای حمایتی به ویژه «بیمه» شدیداً نیاز دارند. از آن جا که یکی از دغدغه های زارعان فروش محصول تولیدی و بازگشت سرمایه برای استمرار در تولید می باشد، می توان از طریق برقراری یک نظام بهینه مناسب تا حدودی نگرانی های موجود را برطرف نمود.

- نکته آخر این که توفیق هر نوع فعالیت اقتصادی در گرو هماهنگی بین عوامل سازنده آن فعالیت است. مسلماً کارکرد هماهنگ اجزاء یک فعالیت زراعی این امکان را می دهد که مسیر تحولات به سمت افزایش کارایی و بازدهی بوده و شرایط اقتصادی و حاکم بر آن بهبود یابد. حال که نظام زراعی ناحیه در آزمون مهمی برای تطبیق با شرایط و نیازهای امروز قرار دارد، هدایت اصولی برای حرکت در مسیر جدید از اولویت های برنامه اقتصادی ناحیه یا قلمروهای مشابه آن به شمار می رود تا زارع در هماهنگی با برنامه های دولت به آینده فعالیت خویش امیدوارانه تر نگاه کند.

منابع

۱. آشیر، کارل و استاز، جان (۱۳۷۷) اقتصاد کشاورزی و فرایند توسعه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد و احمد ایزدپناه، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
۲. آسایش، حسین، (۱۳۷۴) اقتصاد روستایی، انتشارات پیام نور.
۳. آمار، تیمور، (۱۳۷۵) امکان سنجی استقرار بهینه سکونت گاه‌های روستایی بخش رحمت آباد و بلوکات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴. افزاخته، حسن (۱۳۷۹) عوامل مؤثر بر تحولات ساخت زراعی در چابهار، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۵.
۵. چمبرز، رابرت (۱۳۸۱) چالش باحرفه ها، عرصه های چالش در توسعه روستایی، ترجمه علیرضا خرمایی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، تهران.
۶. خادم آدم، ناصر (۱۳۷۰) سیاست اقتصاد کشاورزی در نظامهای مختلف و ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
۷. درنو، ماکس، (۱۳۷۴) جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات ریزن، مشهد.
۸. دولفوس، اولیویه (۱۳۷۳) تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، مشهد.
۹. دهقان، مهدی و یوسف بافکر (۱۳۷۰) تحلیلی پیرامون ضرورت تحول در واحدهای بهره برداری اراضی کشاورزی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۱۰. رضایی، پرویز، (۱۳۷۷) اقلیم حوضه آبخیز سیاهرود رودبار، شرکت بدر دانش، رشت.
۱۱. سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۷) سیمای اقتصادی و اجتماعی شهرستان رودبار.
۱۲. _____ (۱۳۷۷) آمارنامه استان گیلان، سال ۱۳۷۶.
۱۳. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان (۱۳۸۱) آمارنامه استان گیلان، سال ۱۳۸۰.
۱۴. سعیدی، عباس، (۱۳۷۷) مبانی جغرافیایی روستایی، انتشارات سمت، تهران.
۱۵. شولتز، تنودور، (۱۳۶۷) گذار از کشاورزی سنتی، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، نشر نی.
۱۶. شهیدی، اسماعیل، (۱۳۷۹) کلزا، انتشارات شرکت توسعه کشت دانه‌های روغنی.
۱۷. لوبوپ، (۱۳۵۲) بنیادهای بزرگ زراعی در جهان، ترجمه محمود محمودپور، انتشارات دانشگاه آذربادگان، تبریز.
۱۸. لانگ ورت، جان دلبیو (۱۳۷۹) توسعه روستایی چین با مقایسه های بین المللی، ترجمه مصطفی مهاجرانی، وزارت کشاورزی، تهران.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۶۷.
۲۰. مرکز خدمات کشاورزی توتکابن، (۱۳۸۲) آمار سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی دهستان رحمت آباد.
۲۱. نسیمی، علی اکبر، (۱۳۷۹) ضرورت تحول کشاورزی کاربردی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۲۲. ولدخانی، عباس (۱۳۷۰) تحلیل و عامل مؤثر در رشد تولید بخش کشاورزی (زراعت) ایران، دانشگاه تهران.
۲۳. هایامی، یوجیرو و روتان، ورنون (۱۳۷۸) توسعه کشاورزی، ترجمه مجید کوپاهی، انتشارات وزارت کشاورزی.

24. Eicher, carl. K. and john. M. staatz(1990) Agricultural Development in The Third world, Baltimor, Johns Hopkins university press.

25. DasGupta . A. K(1974) Economic Theory and the Developing Countries. London.